

مقایسه عدم تحمل بلاتکلیفی در زنان مطلقه و غیرمطلقه به عنوان پیش بینی کننده افسردگی، اضطراب و استرس

دکتر خلیل اسماعیل پور¹
رضا محمدزاده گان^{2*}
یونس قاسم بکلو³
سجاد وکیلی⁴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عدم تحمل بلاتکلیفی در بین زنان مطلقه و غیر مطلقه به عنوان پیش بینی کننده افسردگی، اضطراب، استرس بود. مطالعه حاضر از نوع علی - مقایسه ای است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان خوی (اداره بهزیستی و مرکز مشاوره تارا) و زنان غیرمطلقه تشکیل می داد. از جامعه زنان مطلقه 70 نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و با 70 نفر از زنان غیرمطلقه بر حسب سن و تحصیلات همتا شدند. پس از جمع آوری اطلاعات، به وسیله پرسشنامه های افسردگی، اضطراب و استرس و مقیاس عدم تحمل بلاتکلیفی، داده ها در برنامه SPSS با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA)، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد آزمون قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل نشان داد که تفاوت معناداری میان زنان مطلقه و غیرمطلقه از نظر افسردگی، اضطراب، استرس ($p < 0/0001$) و عدم تحمل بلاتکلیفی ($p < 0/0001$) وجود دارد و زنان مطلقه افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی بالایی نسبت به زنان غیرمطلقه دارند. همچنین تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که از بین خرده مقیاس های عدم تحمل بلاتکلیفی تنها استرس آمیز بودن بلاتکلیفی و منفی بودن رویدادهای غیر منتظره و اجتناب از آنها، پیش بینی کننده معنی دار افسردگی، اضطراب در میان زنان می باشد. با توجه به یافته های پژوهش حاضر و پیشینه پژوهشی، کاهش عدم تحمل بلاتکلیفی می تواند باعث کاهش سطوح افسردگی، اضطراب و

¹ - استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز

² - کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تبریز - نویسنده مسئول (Reza.Moh1@gmail.com)

³ - کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، مدرس دانشگاه پیام نور خوی

⁵ - کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تبریز

استرس گردد. بنابراین درمان مبتنی بر کاهش عدم تحمل بلا تکلیفی و افزایش مهارت‌های تحمل ابهام قبل از شروع درمان اختلالات عاطفی و اضطرابی در زنان مطلقه ضروری است.
واژه‌های کلیدی: افسردگی، اضطراب، استرس، زنان مطلقه، بلا تکلیفی

مقدمه

طلاق عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده، و یکی از آسیب‌های عمده زندگی خانوادگی است. طلاق بعد از مرگ همسر، نیازمند بیشترین تغییر برای سازگاری مجدد در افراد است (ستوده و بهاری، 1386). از این رو جدایی و طلاق برای تمام اعضای خانواده استرس بزرگی محسوب می‌شود و ممکن است منجر به واکنش‌های سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت شود. از طرفی تجربه طلاق، سازگاری زوجین را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌گردد (پورتس¹، براون²، اسمیت³، 2000). براساس آمار کشورهای مختلف، از جمله ایران، میزان طلاق روز به روز در حال افزایش است. بنابر اطلاعات به دست آمده از سازمان بهزیستی، در سال 1385 تعداد طلاق‌های ثبت شده در کشور 94040 نفر (آبرویی، 1388)، و در سال 1390، 142841 نفر بوده است (سازمان ثبت احوال ایران، 1390).
 هم اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد (فروتن، 2008). در این میان به همان اندازه که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد را تهدید می‌کند. از این رو، می‌توان به پیامدهای طلاق بر زنان مطلقه توجه نمود؛ طلاق و فروپاشی زندگی خانوادگی منجر به بر هم خوردن تعادل روانی- عاطفی افراد خانواده می‌گردد و از آنجا که خود طلاق یک استرس بسیار شدید محسوب می‌شود، ابتلا به اختلالات روانی، به خصوص در زنان که ظرافت عاطفی، صفت شاخص تشکیل دهنده شخصیت آنان می‌باشد، اثری بسیار محتمل است (قدوسی، 1379).

¹.Portes

².Brown

³.Smith

تحقیقات در ایران و در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که زنان بعد از طلاق دچار علائم بسیار زیادی همچون افسردگی، استرس، اضطراب، احساس ناامیدی، عدم مسؤولیت‌پذیری، ضعف روانی و تمایل به سرزنش خود می‌شوند. در پژوهشی لورنز¹، ویکارما²، کونگر³ و الدر⁴ (2006) با مطالعه اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت طلاق بر زنان به این نتیجه رسیدند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به طور معناداری در سال‌های اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از استرس و پریشانی روانی، و در یک دهه بعد سطوح بالاتری از بیماری را نشان می‌دهند. همچنین این زنان سطوح بالاتری از حوادث پراسترس زندگی را احساس می‌کنند که در نهایت منجر به افسردگی می‌شود. مطالعه انجام شده توسط آسلتین و کسلر⁵ (1993) نشان داد که افراد مطلقه، در مقایسه با افراد متأهل، سطوح پایین‌تر سلامت روانی از جمله شادی کمتر، استرس و فشار روانی بیشتر، پریشانی روانی و خودپنداره ضعیف را احساس می‌کنند. همچنین بروس و کیم⁶ (1992) گزارش کردند که افسردگی اساسی در بین مطلقه‌ها در مقایسه با زنان متأهل و مجرد سه برابر بیشتر است. از سویی تحقیقات طولی افزایش علایم افسردگی را به دنبال طلاق شناسایی و خطر افسردگی برای مادران طلاق گرفته، که تنها زندگی می‌کردند، دو برابر گزارش کرده‌اند (مکلنahan⁷، 1983؛ براون و موران⁸، 1997). پوپولا و ایلوگو⁹ (2010) در پژوهشی مطرح کردند که زنان مطلقه استرس و اضطراب بیشتری نسبت به زنان مجرد و متأهل دارند. همچنین خان‌محمدی و یعقوبی (2010) در پژوهشی بر در مورد زنان مطلقه و عادی تفاوت معنی‌داری در میزان افسردگی دو گروه یافتند، به طوری که 70% زنان مطلقه مبتلا به افسردگی اساسی بودند. بنابراین، در چارچوبی از چشم‌انداز علیت اجتماعی، چندین مطالعه طولی در بررسی روند بین اختلال زناشویی و رفاه دریافته‌اند که میزان علایم افسردگی پس از طلاق و جدایی افزایش می‌یابد (پوپولا و

1. Lorenz

2. Wickarma

3. Conger

4. Elder

5. Aseltine & Kessler

6. Bruce & Kim

7. Mclanahan

8. Moran

9. Popoola & Ilugbo

آماتو¹، 1991؛ دوهرتی²، سو³، و نیدل⁴، 1989؛ مناقان و لیبرمن⁵، 1986؛ نلسون⁶، 1989). همچنین بیشتر تحقیقات بیان می‌کنند که پیامد طلاق، افزایش استرس و آسیب‌پذیری روانی است (هترینگتون⁷، کاکس⁸ و کاکس، 1981؛ والتراشتاین و کلی⁹، 1980؛ ویس¹⁰، 1975). در این میان عدم تحمل بلا تکلیفی¹¹ سازه‌ای است که احتمالاً میزان افسردگی، اضطراب و استرس را در زنان مطلقه تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا تحمل کردن بلا تکلیفی، به عنوان یک خطای شناختی که چگونگی درک، تفسیر و واکنش افراد را نسبت به موقعیت‌های مبهم تحت تأثیر قرار می‌دهد، تعریف شده است (داگاس¹²، شوارتز¹³ و فرانسیس¹⁴، 2004). به طور کلی عدم تحمل بلا تکلیفی، متوسل شدن به راه‌حل‌های سیاه و سفید و توافق زودرس در مورد جنبه‌های ارزشمند است و غالباً با نادیده گرفتن واقعیت و میل به پذیرش کلی یا رد کردن بی‌قید و شرط همراه است. طبق این مدل اشخاصی که تحمل ابهام پایینی دارند، زمانی که با مشکلی مواجه می‌شوند به سرعت به سوی بسته‌های ادراکی و مفهومی حرکت می‌نمایند و برعکس افرادی که تحمل ابهام بالایی دارند با موقعیت سازمان یافته یا موقعیتی که پایان آن نامشخص است، مقابله‌ای موفقیت‌آمیز دارند، در این حالت تحمل ابهام می‌تواند میل و رغبت فرد را به توانایی پذیرش تجربه‌های متفاوت یا موقعیت‌های نامشخص ایجاد کند (ابوالقاسمی، 1389). از سویی تحقیقات متنوعی مطرح کرده‌اند که عدم تحمل بلا تکلیفی با اختلالات روانی، به خصوص اختلالات اضطرابی رابطه دارد. دی‌جانگ-میر¹⁵، بک¹، رید² (2009) در پژوهشی بر روی نمونه‌های غیربالینی مطرح کردند که عدم

1. Booth & Amato

2. Doherty

3. Su

4. Needle

5. Menaghan & Lieberman

6. Nelson

7. Hetherington

8. Cox

9. Wallterstein & Kelly

10. Weiss

11. intolerance of uncertainty

12. Dugas

13. Schwartz

14. Francis

15. DeJong-Meyer

عدم تحمل بلاتکلیفی رابطه معنی‌داری با افسردگی و اضطراب دارد. از طرفی شاهجویی (1389) در پژوهشی تفاوت معنی‌داری در نمره کل عدم تحمل بلاتکلیفی در میان افراد با اختلال وسواس- جبری و اختلال اضطراب منتشر با افراد عادی یافت. همچنین بروس و سوبال³ (1989) در پژوهشی تفاوت معنی‌داری بین میزان تحمل ابهام زنان و مردان یافتند، به طوری که زنان تحمل ابهام پایینی نسبت به مردان داشتند. به نظر می‌رسد که عدم تحمل بلاتکلیفی در زنان مطلقه نیز، در ایجاد و تشدید افسردگی، اضطراب و استرس نقش داشته باشد. در مطالعه‌ای وندرهایدن⁴، ملچور⁵، موریس⁶، باومستر⁷، بوس⁸، وندرمولن⁹ (2010) دریافتند که رابطه بین نوروگرایی و افسردگی توسط عدم تحمل بلاتکلیفی میانجی‌گری می‌شود. داگاس¹⁰، گانگن¹⁰، لادوسر¹¹ و فریستون¹² (1998) مطرح کردند که افراد نگران عدم تحمل بلاتکلیفی بالایی نسبت به افراد غیرنگران دارند. همچنین دستکاری آزمایشی عدم تحمل بلاتکلیفی منجر به افزایش گزارش نگرانی می‌شود (لادوسر، کالجیوس¹³ و داگاس، 2000) و این یک رابطه علت و معلولی را بین نگرانی و عدم تحمل بلاتکلیفی نشان می‌دهد به طوری که یافته‌ها نشان می‌دهند که افراد با عدم تحمل بلاتکلیفی پایین ممکن است انگیزش بیشتری برای مقابله با بلاتکلیفی در شرایط نگرانی داشته باشند. همچنین یافت شده است که عدم تحمل بلاتکلیفی با اختلال پانیک (کارلتون¹⁴، شارپ¹⁵ و آسموندسون¹⁶، 2007؛ داگاس، گسلین¹⁷ و لادوسر، 2001) هراس اجتماعی (بوئلن و ریجنتجس¹، 2009؛

¹. Beck

². Riede

³. Sobal

⁴. Van Der Heiden

⁵. Melchoir

⁶. Muris

⁷. Bouwmeester

⁸. Bos

⁹. Van Der Molen

¹⁰. Gagnon

¹¹. Ladouceur

¹². Freeston

¹³. Colleagues

¹⁴. Carelton

¹⁵. Sharpe

¹⁶. Asmundson

¹⁷. Gosselin

کارلتون، کولیمور²، آسموندسون³، 2010؛ ریسکیند⁴، تزور⁵، ویلیامز⁶، مان⁷، شاهار⁸ (2007) و علایم وسواس جبری (هولاوی⁹، هایمبرگ¹⁰، کولز¹¹، 2006؛ لیندو بوشن¹²، 2009؛ تولین¹³، آبرام اویچ¹⁴، بیرگیدی¹⁵، فوا¹⁶، 2003) افسردگی و اضطراب (دی جانگ-میر و همکاران، 2009؛ داگاس و همکاران، 2004؛ برن بام¹⁷، بردمیر¹⁸، تامسون¹⁹، 2008) رابطه معنی‌داری دارد. در مجموع، عدم تحمل بلاتکلیفی ظاهراً با طیف گسترده-ای از اختلالات اضطرابی و افسردگی مرتبط است (استارسوویچ و برلی²⁰، 2006). بنابراین با توجه به اهمیت و تاثیر عدم تحمل بلاتکلیفی در میزان افسردگی، اضطراب و استرس و تاثیر منفی این عوامل بر سازگاری بعد از طلاق، مطالعه حاضر با هدف مقایسه افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی در بین زنان مطلقه و غیر مطلقه و همچنین مشخص کردن نقش عدم تحمل بلاتکلیفی در میزان افسردگی، اضطراب و استرس زنان مطلقه صورت گرفته است.

-
- 1 . Boelen & Reijntjes
 - 2 . Collimore
 - 3 . Asmundson
 - 4 . Riskind
 - 5 . Tzur
 - 6 . Williams
 - 7 . Mann
 - 8 . Shahar
 - 9 . Holaway
 - 10 . Heimberg
 - 11 . Coles
 - 12 . Lind & Boschen
 - 13 . Tolin
 - 14 . Abramowitz
 - 15 . Brigidi
 - 16 . Foa
 - 17 . Berenbaum
 - 18 . Bredemeier
 - 19 . Thompson
 - 20 . Starcevic & Berle

روش

این مطالعه از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان خوی (اداره بهزیستی و مرکز مشاوره تارا) و زنان غیرمطلقه تشکیل می‌دادند. از این جامعه 70 نفر از زنان مطلقه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با 70 نفر از زنان غیرمطلقه شهرستان خوی به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، بر حسب سن و تحصیلات هم‌تا شدند. بدین ترتیب پس از جمع‌آوری داده‌ها، نتایج در برنامه SPSS نسخه 20 با تحلیل واریانس چند متغیره¹ (MANOVA)، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد آزمون قرار گرفت.

ابزار و روش

1. مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (DASS)²: این مقیاس که توسط لویندا³ (1995) ساخته شده است، 21 ماده دارد. آزمودنی‌ها به هر آیتم با انتخاب یکی از گزینه‌های هرگز (0)، کم (1)، زیاد (2) و خیلی زیاد (3) پاسخ می‌دهند. پژوهش‌های فراوانی به منظور به دست آوردن پایایی⁴ و روایی⁵ این مقیاس صورت گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در یک نمونه هنجاری 717 نفری برای افسردگی 0/81، اضطراب 0/73 و استرس 0/81 به دست آمده است (ابوالقاسمی، 1385).
2. مقیاس عدم تحمل بلاتکلیفی (IU)⁶: این آزمون توسط فریستون⁷ و همکاران (1994) ساخته شده است و 27 آیتم دارد که مربوط به غیرقابل قبول بودن بلاتکلیفی و ابهام می‌باشد و معمولاً منجر به ناکامی، استرس و ناتوانی برای انجام عمل می‌شوند. این آزمون با یک مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای (هرگز، بندرت، گاهی، اغلب و همیشه) پاسخ داده می‌شود و هر یک از گزینه‌ها به ترتیب از 1 تا 5 نمره می‌گیرند. این مقیاس

¹. multivariate analysis of variance

². depression, anxiety and stress scale

³. Lewinda

⁴. Reliability

⁵. Validity

⁶. intolerance of uncertainly scale

⁷. Freston

چهار عامل دارد که شامل: ناتوانی برای انجام عمل، استرس آمیز بودن بلاتکلیفی، منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها و همچنین بلاتکلیفی در مورد آینده می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی (بعد از 5 هفته) به ترتیب 0/94 و 0/74 گزارش شده است (ابوالقاسمی، 1385).

یافته‌ها

جدول (1) میانگین و انحراف استاندارد دو گروه در مقیاس‌های افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی و (سطوح آن) را نشان می‌دهد.

جدول 1: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در بین زنان مطلقه و غیرمطلقه

متغیر	زنان مطلقه		زنان غیرمطلقه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
افسردگی	20/40	9/46	11/17	6/22
اضطراب	19/48	10/10	9/62	6/18
استرس	22/04	7/98	15/32	6/40
ناتوانی برای انجام عمل	23/15	6/90	17/11	7/40
استرس آمیز بودن بلاتکلیفی	25/38	6/91	17/97	7/26
منفی بودن رویدادها	13/70	4/61	11/14	5/01
بلاتکلیفی در مورد آینده	11/38	3/49	9/20	4/33
عدم تحمل بلاتکلیفی کل	73/62	18/00	55/25	21/11

مطابق داده‌های جدول (1) میانگین نمره‌های زنان مطلقه در همه عوامل، بیشتر از میانگین زنان عادی است. برای بررسی تفاوت گروه‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شده است

فرضیه 1: مقایسه عدم تحمل بلاتکلیفی و مولفه‌های آن در زنان مطلقه و زنان غیر مطلقه

فرضیه 2: مقایسه افسردگی، اضطراب و استرس در زنان مطلقه و زنان غیر مطلقه

جدول 2: تحلیل واریانس چند متغیره برای متغیرهای مورد مطالعه در زنان مطلقه و غیرمطلقه

مقدار آماره آزمون	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	لانداى ويلكز
0/636	9/372	8/000	131/000	0/0001	

نتایج آزمون لانداى ويلكز با مقدار 0/636 نشان می‌دهد که گروه‌های مورد مطالعه در مجموع از نظر متغیرهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری دارند ($P < 0/0001$).

جدول 3: تحلیل واریانس اثرات بین گروهی برای افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی در زنان مطلقه و غیرمطلقه

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
افسردگی	2980/82	1	2980/82	46/42	0/0001
اضطراب	3400/71	1	3400/71	48/45	0/0001
استرس	1577/85	1	1577/85	30/10	0/0001
ناتوانی برای انجام عمل	1278/06	1	1278/06	24/91	0/0001
استرس آمیز بودن بلاتکلیفی	1924/00	1	1924/00	38/22	0/0001
منفی بودن رویدادها	228/86	1	228/86	9/84	0/002
بلاتکلیفی در مورد آینده	167/20	1	167/20	10/77	0/001
عدم تحمل بلاتکلیفی کل	11812/82	1	11812/82	30/68	0/0001

نتایج جدول شماره (3) نشان می‌دهد که بین دو گروه در میزان افسردگی، اضطراب و استرس ($P < 0/0001$) و همچنین در عدم تحمل بلاتکلیفی کل ($P < 0/0001$) و زیرموفقه‌های آن شامل ناتوانی برای انجام عمل ($P < 0/0001$)، استرس‌آمیز بودن بلاتکلیفی ($P < 0/0001$)، منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره ($P < 0/002$)، بلاتکلیفی در مورد آینده ($P < 0/001$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین مطابق با یافته‌های جدول شماره 3 زنان مطلقه از افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی بالایی نسبت به زنان غیرمطلقه برخوردار هستند.

جدول 4: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (n=140)

مقیاس‌ها	1	2	3	4	5	6	7	8
افسردگی	1							
اضطراب	.681**	1						
استرس	.728**	.723**	1					
ناتوانی برای انجام عمل	.476**	.511**	.479**	1				
استرس آمیز بودن بلاتکلیفی	.514**	.516**	.574**	.820**	1			
منفی بودن رویدادها	.444**	.476**	.415**	.579**	.601**	1		
بلاتکلیفی در مورد آینده	.418**	.386**	.388**	.573**	.592**	.745**	1	
عدم تحمل بلاتکلیفی کل	.555**	.571**	.569**	.892**	.914**	.800**	.795**	1

** P<0/01

پیش از انجام رگرسیون، همبستگی بین افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی در جدول 4 نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود بین افسردگی، اضطراب، استرس و عدم تحمل بلاتکلیفی و مولفه‌های آن رابطه معنی‌داری ($P < 0/01$) وجود دارد.

فرضیه 3: عدم تحمل بلاتکلیفی و مولفه‌های آن به عنوان پیش‌بینی کننده‌های افسردگی

جدول 5: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی افسردگی از طریق خرده مقیاس‌های عدم تحمل بلاتکلیفی

گام	متغیر پیش‌بین	B	SE	β	R ²	F	P
1	استرس آمیز بودن بلاتکلیفی	0/594	0/084	0/514	0/26	49/48	0/0001
2	استرس آمیز بودن بلاتکلیفی منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها	0/446 0/393	0/104 0/167	0/386 0/212	0/29	28/34	0/0001

در جدول (5) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی افسردگی از طریق خرده مقیاس‌های عدم تحمل بلاتکلیفی ارائه شده است. چنانکه مشاهده می‌شود، «استرس آمیز بودن بلاتکلیفی» و «منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها» توانایی پیش‌بینی افسردگی را داشتند ($P < 0/0001$). در گام اول استرس آمیز بودن بلاتکلیفی 26 درصد از واریانس افسردگی را تبیین نموده است. در گام دوم با اضافه شدن

«منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها»، واریانس تبیین شده افسردگی به 29 درصد رسیده است که از این مقدار 3 درصد از تغییرات افسردگی مربوط به «منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها می باشد. براساس تحلیل رگرسیون گام به گام، استرس آمیز بودن بالاتکلیفی و منفی بودن رویدادهای غیر منتظره و اجتناب از آنها به شیوه مثبت پیش بینی کننده افسردگی هستند.

فرضیه 4: عدم تحمل بالاتکلیفی و مؤلفه های آن به عنوان پیش بینی کننده های اضطراب

جدول 6: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی اضطراب از طریق خرده مقیاس های عدم تحمل بالاتکلیفی

گام	متغیر پیش بین	B	SE	β	R2	F	P
1	استرس آمیز بودن بالاتکلیفی	0/626	0/589	0/516	0/26	49/96	0/0001
2	استرس آمیز بودن بالاتکلیفی منفی بودن رویدادهای غیر منتظره و اجتناب از آنها	0/437 0/506	0/108 0/173	0/360 0/260	0/30	30/61	0/0001

چنانکه در جدول 6 مشاهده می شود، استرس آمیز بودن بالاتکلیفی و منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها توانایی پیش بینی اضطراب را داشتند ($P < 0/0001$). در گام اول استرس آمیز بودن بالاتکلیفی 26 درصد از واریانس اضطراب را تبیین نموده است. در گام دوم با اضافه شدن «منفی بودن رویدادهای غیر منتظره و اجتناب از آنها» واریانس تبیین شده افسردگی به 30 درصد رسیده است که از این مقدار 4 درصد از تغییرات اضطراب مربوط به منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها می باشد. براساس تحلیل رگرسیون گام به گام، استرس آمیز بودن بالاتکلیفی و منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها به شیوه مثبت پیش بینی کننده اضطراب هستند.

فرضیه 5: عدم تحمل بالاتکلیفی و مؤلفه های آن به عنوان پیش بینی کننده های استرس

جدول 7: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی استرس از طریق خرده مقیاس های عدم تحمل بالاتکلیفی

گام	متغیر پیش بین	B	SE	β	R2	F	P
1	استرس آمیز بودن بالاتکلیفی	0/572	0/069	0/574	0/32	67/79	0/0001

در جدول 7 نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی استرس از طریق خرده مقیاس‌های عدم تحمل بالاتکلیفی ارائه شده است. چنانکه در جدول مشاهده می شود از بین چهار خرده مقیاس عدم تحمل بالاتکلیفی تنها استرس‌آمیز بودن بالاتکلیفی توانایی پیش‌بینی استرس را دارد ($P < 0/0001$). این خرده مقیاس به تنهایی 32 درصد از واریانس استرس را به شیوه مثبت پیش‌بینی می کند.

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که زنان مطلقه، افسردگی، اضطراب و استرس بیشتری نسبت به زنان غیر مطلقه دارند، این بدین معناست که زنان مطلقه پس از طلاق فشار روانی زیادی را احساس می‌کنند. این نتیجه، با یافته‌های پورتس و همکاران (2000)، لورنز و همکاران (2006) آسلتین و کسلر (1993) همسو است. آن‌ها در مطالعه خود دریافتند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به طور قابل توجهی در سال‌های اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از حوادث پراسترس زندگی را تجربه می‌کنند که در نهایت منجر به افسردگی می‌شود. نتایج این مطالعه همچنین با یافته‌های بروس و کیم، (1992)؛ براون و همکاران، (1987)؛ پوپولا و همکاران، (2010)؛ خان‌محمدی و یعقوبی، (2010)؛ بوس و همکاران، (1991)؛ دوهرتی و همکاران، (1989)؛ همسو است، این محققان دریافتند که میزان علایم افسردگی و اضطراب پس از طلاق و جدایی افزایش می‌یابد. به باور بریسکو¹ و اسمیت (1974) طلاق، بیشتر یک فرایند سوگ به شمار می‌آید که با نشانه گرفتن یکپارچگی و احساس امنیت فرد، پیش‌بینی کننده اضطراب در او است، همچنین نبود موقعیت اجتماعی، امنیت مالی و شبکه حمایتی اجتماعی، پی‌آمد نبود همسر و جدایی است؛ پس جای شگفتی نیست که پایان یک ازدواج با احساس غم و افسردگی همراه باشد. همچنین بر پایه نظر بوهرانان² (1970) مطلقه‌ها احساس می‌کنند از گروه‌هایی که به آنها بسته‌اند رانده شده و مورد نفرتند، برای فرد مطلقه ارزشمندترین چیز این است که احساس کند از سوی دیگران مورد حمایت قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که عدم تحمل بالاتکلیفی در زنان مطلقه بالاتر از زنان غیرمطلقه است. یعنی زنان مطلقه پس از طلاق، بیشتر دچار

¹.Briscoe

².Bohannan

خطاهای شناختی در درک و تفسیر موقعیت‌های مبهم می‌گردند و بیشتر از راه‌حل‌های سیاه و سفید استفاده می‌کنند و دوست دارند واقعیت‌ها را نادیده بگیرند. این نتیجه با یافته‌های شاهجویی (1389)، بروس و سوبال (1989) همسو است. آنها در مطالعه خود دریافتند که افراد با اختلال وسواس-جبری و اختلال اضطراب منتشر در عدم تحمل بلاتکلیفی تفاوت معنی‌داری دارند، به طوری که افراد با اختلال اضطراب منتشر سطوح بالاتری از عدم تحمل بلاتکلیفی را گزارش می‌کنند. بنابراین از آنجایی که بیشترین ترس افراد با اختلال اضطراب منتشر ترس از آینده است، به نظر می‌رسد که زنان مطلقه هم مانند افراد با اختلال اضطراب منتشر بیشترین نگرانی را در مورد رویدادهای مبهم آینده دارند؛ به عنوان مثال، ترس از آینده اقتصادی، آینده فرزندان و پی‌آمدهای اجتماعی طلاق (آخوان‌تفتی، 1382). در این میان عدم تحمل بلاتکلیفی سازه‌ای است که با افسردگی، اضطراب و استرس همبستگی معنی‌داری دارد، به طوری که عدم تحمل بلاتکلیفی (خرده‌مقیاس‌های استرس‌آمیز بودن بلاتکلیفی و منفی بودن رویدادهای غیرمنتظره و اجتناب از آنها) می‌تواند میزان قابل توجهی از افسردگی و اضطراب و همچنین (خرده‌مقیاس استرس‌آمیز بودن بلاتکلیفی) می‌تواند بطور معنی‌داری مولفه استرس را پیش‌بینی کند. این نتیجه، با یافته‌های دی‌جانگ-میر و همکاران (2009)، داگاس و همکاران، 1998؛ برن‌بام و همکاران، 2008، لادوسر و همکاران، 2000؛ کارلتون و همکاران، 2007؛ هولوی و همکاران، 2006؛ لیند و بوشن، 2009؛ همسو است. در تبیین این یافته لادوسر و کالژیوس (2000) بر این باورند که عدم تحمل بلاتکلیفی منجر به تفکر "چه می‌شود اگر؟" می‌گردد؛ تفکری که به نوبه خود به نگرانی مزمن و غیرقابل کنترل منجر می‌شود. در حمایت از این باور، افزایش عدم تحمل بلاتکلیفی منجر به نگرانی بیشتر می‌شود. همچنین کورنر¹ و داگاس (2008) در پژوهشی مطرح کردند که عدم تحمل بلاتکلیفی ممکن است منجر به گرایش مشکل‌منفی²، اختلال در ارزیابی مشکل و توانایی حل مسئله به دلیل عدم اعتماد به نفس گردد. علاوه بر این برد-میر و برن‌بام (2008) ادراک تهدید را تا حدی میانجی‌گر ارتباط بین عدم تحمل بلاتکلیفی و نگرانی بیش از حد مطرح کردند و بنابراین مکانیسم‌هایی را که عدم تحمل بلاتکلیفی از آن طریق به نگرانی بیش از حد منجر می‌شود، پیشنهاد می‌کنند.

¹. Koerner

². negative problem orientation

نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های پیشین که نشان داده‌اند کاهش عدم تحمل بلاتکلیفی، باعث کاهش در سطوح اضطراب و افسردگی در طول درمان شناختی- رفتاری اختلالات اضطرابی و عاطفی می‌گردد (داگاس و همکاران، 1998؛ لادوسر و همکاران، 2000)، و از طرفی نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که زنان مطلقه از نظر عاطفی و هیجانی به شدت نیازمند حمایت هستند و به دلیل اینکه بعد از طلاق میزان فشارهای اجتماعی و فرهنگی بر زنان مطلقه بیشتر می‌شود، قاعدتاً این گروه از افراد عدم تحمل بلاتکلیفی، افسردگی، اضطراب و استرس بیشتری دارند؛ که در این زمینه می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مدیریت استرس، آموزش مهارت‌های اجتماعی، درمان مبتنی بر کاهش عدم تحمل بلاتکلیفی و افزایش مهارت‌های تحمل ابهام و سایر درمان‌های شناختی - رفتاری موجبات کاهش مشکلات روان شناختی این قشر آسیب پذیر جامعه را فراهم نمود.

این مطالعه محدودیت‌های متعددی داشت. از جمله این‌که در این پژوهش از ابزارهای خودگزارشی استفاده شد و این احتمال وجود دارد که در پاسخ‌گویی به این ابزارها فرد تحت تاثیر خلق و خوی خویش قرار گیرد، به طوری که نتایج را تحت تاثیر قرار داده و تعمیم را با مشکل مواجه سازد. همچنین شرکت‌کننده‌های پژوهش نمونه‌ای کاملاً معرف از تمامی زنان مطلقه نیست، برای اینکه به علت مشکل دسترسی به این قشر از جامعه، به ناچار نمونه پژوهش از بین زنان تحت پوشش سازمان بهزیستی انتخاب شده است، لذا تعمیم نتایج به سایر زنان مطلقه که تحت پوشش این سازمان‌ها نیستند باید با احتیاط صورت گیرد. محدود بودن تعداد نمونه انتخابی نیز یکی از موارد می‌باشد.

قدردانی و تشکر

بدین وسیله از کلیه شرکت‌کنندگان محترم که وقت گرانبهای خود را جهت شرکت در پژوهش حاضر در اختیار پژوهشگران قرار دادند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع:

- آبرویی، مریم (1388)، بررسی عوامل پیش بین کننده طلاق در زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- ابوالقاسمی، عباس (1385)، آزمون‌های روانشناختی. اردبیل: انتشارات باغ رضوان.
- ابوالقاسمی، عباس (1389)، روانشناسی شخصیت پیشرفته. جزوه درسی، دانشگاه اردبیل، چاپ نشده.
- اخوان تفتی، مهناز (1382)، پی آمد طلاق در گذر از مراحل آن. فصلنامه مطالعات زنان، 31(3).
- سازمان ثبت احوال ایران (1390)، آمار رویدادهای حیاتی، از <http://www.Sabteahval.Ir/Default.aspx?Tabid=4773> دسترسی در 17 اردیبهشت 1392.
- ستوده، هدایت‌الله؛ بهاری، سیف‌الله (1386)، آسیب شناسی خانواده. تهران: انتشارات ندای آریانا.
- شاهجویی، تقی (1389)، بررسی مقایسه ای عدم تحمل بلاتکلیفی و حساسیت اضطرابی در افراد مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر، اختلال وسواس-جبری و افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه تبریز
- قدوسی، آرش (1379)، بررسی شیوع و شدت افسردگی زنان درشرف طلاق. خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق، سازمان بهزیستی استان اصفهان.
- Aseltine, R.H., & Kessler, R.C. (1993), Marital Disruption and Depression in A Community Sample. *Journal of Health and Social Behaviour*, 34, 237–251.
- Berenbaum, H., Bredemeier, K., & Thompson, R. J. (In Press). Intolerance of Uncertainty: Exploring Its Dimensionality and Associations with Need for Cognitive Closure, Psychopathology, and Personality. *Journal of Anxiety Disorders*. 22(1), 117-125.
- Boelen, P. A., & Reijntjes, A. (2009), Intolerance of Uncertainty and Social Anxiety. *Journal of Anxiety Disorders*, 29, 130–135.
- Bohannan, P.E. (1970), *Divorce and after*. Garden City, Ny, Usa: Anchor Books.

- Booth, A., Amato, p. (1991), "Divorce and Psychological Stress." *Journal of Health and Social Behavior*, 32:396-407.
- Bredemeier, K., Berenbaum, H. (2008), Intolerance of Uncertainty and Perceived Threat. *Behavior Research and Therapy*, 46, 28-38
- Briscoe, C.W., Smith. B. j. (1974), "Psychiatric Illness: Marital Units and Divorce." *The Journal of Nervous and Mental Diseases*, 158(6):440-445.
- Brown, G.W., & Moran, M.P. (1997), "Single Mothers, Poverty and Depression." *Psychological Medicine*, 27:21-33.
- Bruce, M. L., and Kim, k. (1992), "Differences In The Effects Of Divorce On Major Depression In Men And Women." *American Journal of Psychiatry*, 149:914-17.
- Bruce, R.D., Sobal, J. (1989), Intolerance Of Ambiguity Is Student Entering Medical School. *Soc Sci Med*, 8, 869-874
- Carleton, R. N., Collimore, K. C., & Asmundson, G. (2010), "It's Not Just the Judgments-It's That I Don't Know": Intolerance of Uncertainty as A Predictor Of Social Anxiety. *Journal of Anxiety Disorders*, 24, 189-195.
- Carleton, R. N., Sharpe, D., & Asmundson, G. J. G. (2007), Anxiety Sensitivity and Intolerance of Uncertainty: Requisites of the Fundamental Fears? *Behaviour Research and Therapy*, 45, 2307-2316.
- DeJong-Meyer, R., Beck, B., & Riede, K. (2009), Relationships between Rumination, Worry, Intolerance of Uncertainty and Metacognitive Beliefs. *Personality and Individual Differences*, 46, 547-551.
- Doherty, W. J., Su, s., Needle, n. (1989), "Marital Disruption and Psychological Well-Being: A Panel Study." *Journal of Family Issues*, 10:72-85.
- Dugas, M. J., Gagnon, F., Ladouceur, R., & Freeston, M. H. (1998), Generalized Anxiety Disorders: A Preliminary Test of a Conceptual Model. *Behaviour Research and Therapy*, 36, 215-226.

- Dugas, M. J., Gosselin, P., & Ladouceur, R. (2001), Intolerance of Uncertainty and Worry: Investigating Specificity In A Nonclinical Sample. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 551–558.
- Dugas, M. J., Schwartz, A., & Francis, K. (2004), Intolerance of Uncertainty, Worry, and Depression. *Cognitive Therapy and Research*, 28, 835–842.
- Foroutan, S.k. (2008), The Prevalence Of Sexual Dysfunction Among Divorce Requested. *Daneshvar Medical Journal*, 16(78): 11-17. [In Persian]
- Hetherington, E. Cox, M. M., Cox, R. (1981), “Effects Of Divorce on Parents and Children.” Pp. 233–88 in *Non-Traditional Families*, Edited By M. Lamb. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Holaway, R. M., Heimberg, R. G., & Coles, M. E. (2006), A Comparison Of Intolerance Of Uncertainty In Analogue Obsessive-Compulsive Disorder And Generalized Anxiety Disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 20, 158–174.
- Khanmohammadi Otahgsara, A., Yaghoubi Hasankola, G. (2010), Depressed Mood In Divorced And Undivorced Women. *European Psychiatry*, 25(1), 271.
- Koerner, N., & Dugas, M. J. (2008), an Investigation of Appraisals in Individuals Vulnerable To Excessive Worry: The Role of Intolerance of Uncertainty. *Cognitive Therapy and Research*, 32, 619-638.
- Ladouceur, R., Colleagues, P., & Dugas, M. (2000), Experimental Manipulation of Intolerance of Uncertainty: A Study Of A Theoretical Model Of Worry. *Behaviour Research and Therapy*, 38, 933–941.
- Lind, C., & Boschen, M. J. (2009), Intolerance Of Uncertainty Mediates The Relationship Between Responsibility Beliefs And Compulsive Checking. *Journal of Anxiety Disorders*, 23, 1047–1052.
- Lorenz, O.F. & Wickrama, S., K A. & Conger, D.R. & Elder, H.G. (2006), The Short-Term And Decade-Long Effects Of Divorce On

- Womens Midlife Health. *Journal of Health and Social Behavior* [Nlm-Medline]. 47(2):111.
- McLanahan, S. S. (1983), "Family Structure and Stress: A Longitudinal Comparison of Two- Parent and Female-Headed Families." *Journal of Marriage and the Family*, 45:347-57.
 - Menaghan, E. G. Lieberman, M. A. (1986), "Changes in Depression Following Divorce: A Panel Study." *Journal of Marriage and the Family*, 48:319-28.
 - Nelson, G. (1989), "Life Strains, Coping, and Emotional Well-Being: A Longitudinal Study of Recently Separated and Married Women." *American Journal of Community Psychology*, 17:459-83.
 - Popoola, B.A., Ilugbo, E.A. (2010), Personality Traits as Predictors Of Stress Among Female Teachers In Osun State Teaching Service. *Journal of Counseling*. 3(2), 173-188.
 - Portes, P., Brown, J., & Smith, T. (2000), The Divorce Adjustment Inventory- Revised: Validation Of A Parental Report Concerning Children's Post- Custody Adjustment. *Journal Of Divorce & Remarriage*, 33 (3-4),93-109.
 - Riskind, J. H., Tzur, D., Williams, N. L., Mann, B., & Shahar, G. (2007), Short-Term Predictive Effects Of The Looming Cognitive Style On Anxiety Disorder Symptoms Under Restrictive Methodological Conditions. *Behaviour Research and Therapy*, 45, 1765-1777.
 - Starcevic, V., & Berle, D. (2006), Cognitive Specificity of Anxiety Disorders: A Review of Selected Key Constructs. *Depression and Anxiety*, 23, 51-61.
 - Tolin, D., Abramowitz, J. S., Brigidi, B. D., & Foa, E. B. (2003), Intolerance Of Uncertainty In Obsessive-Compulsive Disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 17, 233-242.
 - Van Der Heiden, C., Melchoir, K., Muris, P., Bouwmeester, S., Bos, A. E. R., & Van Der Molen, H. T. (2010), A Hierarchical Model For The Relationships Between General And Specific

- Vulnerability Factors And Symptom Levels Of Generalized Anxiety Disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 24, 284–289.
- Wallerstein, J.S. And Kelly, j.b (1980), *surviving The Breakup: How Children and Parents Cope with Divorce*. New York: Basic Books.
 - Weiss, R. S. (1975), *Marital Separation*. New York: Basic Books.

Archive of SID